Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۸۷۸
چهارشنبه / ۲۱ آبان / ۱۴۰۴
۲۱ / جمادی الاول / ۱۴۴۷
12 / November / 2025

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری، سردبیر: بافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار کاظمی، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۰۰ امروز با حافظ

فی الجُمله اعتماد مکن بر ثباتِ دهر
کاین کارخانه ایست که تغییر می کند
می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
چون نیک بنگری همه تزویر می کند

غزل

به جان شو ساکن کعبه
بیابان چند پیمایی
چو نبود قرب روحانی چه
سود از قطع منزل‌ها
جامی

فال گرج اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۱۳	۰۶:۴۰	۱۱:۵۰	۱۷:۰۰	۱۷:۱۹

برگه تاوقتی خوشبختی انسان دیگری نورامی رنجاند، بدان که هرگز خوشبخت نخواهی شد...
آرتورشوپنهاور

گزارش روز

اسرائیل به این زودی‌ها وارد درگیری مجدد با ایران نمی‌شود

اسرائیل به این زودی‌ها وارد درگیری دوباره نخواهد شد نه فقط به این دلیل که باید درس‌هایی بگیرد، توانمندی‌هایش را بازسازی کند و برای کارزاری تازه آماده شود ــ کارزاری که احتمالاً شبیه جنگ پیشین نخواهد بود ــ بلکه به این دلیل که به‌خوبی روشن است دستاوردهای نظامی‌ای که در کارزار بعدی (در صورت وقوع در آینده نزدیک) می‌توان ارائه کرد، به‌ویژه در رابطه با برنامهٔ هسته‌ای و موشکی ایران، در مقایسه با جنگ ۱۲ روزه بسیار محدود خواهد بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از انتخاب، راز زمیت تحلیلگر اسرائیلی حوزه ایران درباره گزارش اخیر نیویورک‌تایمز نوشت: در حال حاضر، ما در مرحله‌ای هستیم که می‌توان آن را «مدیریت درگیری» نامید و همان‌طور که از سایر صحنه‌ها آموخته‌ایم، «مدیریت درگیری» می‌تواند دوام داشته باشد ــ تا زمانی که دیگر دوام نیاورد. رئیس‌جمهور ترامپ اصرار دارد که حملات آمریکا در تابستان امسال، برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران را «به‌کلی نابود کرده» است، اما مقام‌ها و تحلیلگران منطقه‌ای در ماه‌های پس از آن کمتر قانع شده‌اند و هشدار می‌دهند که بروز جنگی تازه میان ایران و اسرائیل فقط مسئله زمان است.

در ادامه این مطلب آمده است: آنچه روشن است این است که:

الف) برنامهٔ هسته‌ای ایران نابود نشده است. از همان ابتدا مشخص بود که یک عملیات نظامی مشترک اسرائیلی و آمریکایی نتواند توانمندی‌های ایران را به‌عقب براند. اما نابودی کامل همهٔ ظرفیت‌های غنی‌سازی ممکن نیست ــ و قطعاً دانش و فناوری هسته‌ای را نمی‌توان از بین برد.

ب) ایران در حال بازسازی موشک‌ها، سامانه‌های پدافند هوایی و بخشی از توانمندی‌های هسته‌ای خود است. این امر نیز نباید باعث شگفتی کسی شود.

ج) در غیاب یک توافق میان ایالات متحده و ایران درباره مسئلهٔ هسته‌ای، وضعیت موجودی که پس از جنگ ایجاد شده است دوام چندانی نخواهد داشت. این وضعیت ناپایدار و خطرناک است؛ هم به دلیل خطر محاسبهٔ اشتباه میان ایران و اسرائیل، و هم به این علت که ممکن است ایران در مقطعی دست به اقداماتی خطرناک بزند که واکنش متقابل را ضروری کند.

این توافق لازم نیست یک قرارداد هسته‌ای جدید چندصدصفحه‌ای باشد، اما باید دست‌کم در بدترین حالت، وضعیت فعلی را منجمد کند (نه از سرگیری غنی‌سازی و نه حمله جدید) و در بهترین حالت، نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بازگرداند و درباره مواد شکافت‌پذیری که در ایران باقی مانده، تصمیم‌گیری کند.

با این حال، برخلاف کارشناسانی که در مقالهٔ نیویورک‌تایمز به‌درستی درباره مشورای حفظ وضعیت موجود در طول زمان هشدار داده‌اند، باید «منابع رسمی» را همان‌طور که معمولاً با اظهارات منابع رسمی برخورد می‌شود، در نظر گرفت؛ به‌عنوان پیام‌هایی که برای طرف مقابل فرستاده می‌شوند.

در این زمینه، یادآوری چند نکته مفید است:

الف) ایران در حال حاضر گزینه‌های خوبی در اختیار ندارد. روند بازسازی آغاز شده، اما به زمان نیاز دارد. تهدیدهای ایران را نباید دست‌کم گرفت. ایران در حال حاضر نه تنها درگیر بازسازی توان نظامی، بلکه با چالش‌های عمده دیگری روبه‌رو است. اکنون زمان مناسبی برای آغاز جنگی تازه نیست.

ب) اسرائیل نیز به این زودی‌ها وارد درگیری دوباره نخواهد شد. نه فقط به این دلیل که باید درس‌هایی بگیرد، توانمندی‌هایش را بازسازی کند و برای کارزاری تازه آماده شود ــ کارزاری که احتمالاً شبیه جنگ پیشین نخواهد بود ــ بلکه به این دلیل که به‌خوبی روشن است دستاوردهای نظامی‌ای که در کارزار بعدی (در صورت وقوع در آینده نزدیک) می‌توان ارائه کرد، به‌ویژه در رابطه با برنامهٔ هسته‌ای و موشکی ایران، در مقایسه با جنگ ۱۲ روزه بسیار محدود خواهد بود.

علاوه بر این، حتی اگر ایران تصمیم‌های خطرناکی بگیرد ــ برای مثال از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم ــ معضل اسرائیل ساده نخواهد بود و ناچار است طیفی از عوامل را در نظر بگیرد: توانایی‌های عملیاتی، هزینهٔ آغاز مجدد درگیری، موضع دولت آمریکا و معنای تصمیم ایران برای مدت زمان دستیابی به سلاح هسته‌ای.

جمع‌بندی

واقعیتی پیچیده و ناپایدار در پیش است. هیچ‌یک از بازیگران ــ نه ایران، نه اسرائیل و نه ایالات متحده ــ راه‌حل‌های ایدئالی برای این وضعیت در اختیار ندارند و همهٔ گزینه‌ها یا مشکل‌زا هستند، یا خطرناک، یا زیان‌بار. در حال حاضر، ما در مرحله‌ای هستیم که می‌توان آن را «مدیریت درگیری» نامید و همان‌طور که از سایر صحنه‌ها آموخته‌ایم، «مدیریت درگیری» می‌تواند دوام داشته باشد ــ تا زمانی که دیگر دوام نیاورد.

دیدگاه

سیاست پساترامپی و ظهور زهران ممدانی

در آستانه گذار پراشوب سیاست آمریکا، پیروزی ممدانی را می‌توان نشانه‌ای روشن از آغاز دوره‌ای تازه دانست؛ دوره‌ای که بسیاری آن را «سیاست پساترامپی» می‌نامند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از پایگاه تحلیلی دیپلماسی ایرانی، زهران ممدانی، سیاستمدار مسلمان و فرزند مهاجران اوگاندایی‌تبار، یکی از چهره‌های نوظهور در صحنه سیاسی آمریکاست که در سال‌های اخیر از دل محلات فقیرنشین نیویورک برخاست و در نهایت با کسب پیروزی تاریخی در انتخابات شهرداری نیویورک، به‌نخستین شهردار مسلمان بزرگ‌ترین شهر ایالات متحده تبدیل شد. او ۳۴ ساله و زاده اوگاندا و پرورش‌یافته در نیویورک است؛ جوانی که در هفت سالگی به آمریکا مهاجرت کرد که با تلاش و تحصیل در حوزه سیاست عمومی و فعالیت‌های اجتماعی توانست به نماد امید و تحول در جامعه‌ای تبدیل شود که سال‌ها میان تبعیض، نابرابری و دوگانگی طبقاتی گرفتار بود.

در آستانه گذار پراشوب سیاست آمریکا، پیروزی ممدانی را می‌توان نشانه‌ای روشن از آغاز دوره‌ای تازه دانست؛ دوره‌ای که بسیاری آن را «سیاست پساترامپی» می‌نامند. این مفهوم نه صرفاً پایان دوران دونالد ترامپ، بلکه تضعیف گفتمان هراس، انزوا و نژادپرستی پنهانی است که در سال‌های اخیر فضای عمومی آمریکا را مسموم ساخته بود. انتخاب یک مسلمان مهاجر در قلب نیویورک، پاسخی اجتماعی به دهه‌ای از سیاست‌های مهاجرستیز، نابرابر و پوپولیستی است که شکاف‌های عمیق میان طبقات، اقوام و ادیان را تشدید کرده بود. ترامپ با آنکه بر ترس از «دیگری» و بالتبع بازگرداندن عظمت به آمریکا، پوپولیسم اقتدارگرا را در ساختار سیاسی کشور تثبیت کرد، اما همان‌طور که هر موجی، ضدموج خود را می‌آفریند، ظهور ممدانی نماد تولد ضدموجی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر است. او از دل همان جوامعی برخاست که سیاست‌های ترامپ، نادیده گرفته بود: مهاجران، اقلیت‌ها، جوانان و اقشار کم‌درآمد. پیام او ساده اما عمیق بود: بازگرداندن کرامت انسانی به سیاست، در عرصه اجتماعی، ممدانی نماینده نسلی است که عمدتاً از نسل Z و مهاجران رنگین‌پوست تشکیل شده است؛ نسلی که از نابرابری، تبعیض و شکاف طبقاتی به ستوه آمده و سیاست را ابزاری برای عدالت اجتماعی می‌بیند نه رقابت حزبی. وعده‌های او برای کنترل اجاره، گسترش خدمات عمومی و حمل‌ونقل رایگان، پاسخی مستقیم به ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری آمریکایی بود که ترامپ نماینده‌اش به‌شمار می‌رفت. اما پیروزی ممدانی تنها یک رویداد شهری نیست. نیویورک، مرکز مالی و رسانه‌ای آمریکا، از دیرباز جایگاه پرنفوذترین لابی‌های صهیونیستی جهان بوده است. پیروزی فردی که آشکارا با سیاست‌های اسرائیل و شخص نتانیاهو مخالفت می‌کند، ضربه‌ای به سلطه دیرینه این شبکه‌ها بود. ممدانی نه‌تنها از جنایات جنگی اسرائیل در غزه انتقاد کرده، بلکه وعده داده در صورت ورود نتانیاهو به نیویورک، از بازداشت او حمایت کند. این موضع صریح ضدصهیونیستی، پژواکی از تغییر عمیق در افکار عمومی آمریکا، به‌ویژه در میان نسل جوان است که اکنون بیش از گذشته جانب عدالت برای فلسطینیان را می‌گیرد.

در مقایسه با ترامپ، ممدانی تصویری کاملاً متضاد ارائه می‌دهد. آنجا که ترامپ دیوار می‌سازد، ممدانی پل می‌زند؛ جایی که اولی از «آمریکا برای آمریکایی‌ها» سخن می‌گوید، دومی از «شهر برای همه انسان‌ها». این تقابل، نه‌فقط دو چهره، بلکه دو آینده متفاوت برای آمریکا را نشان می‌دهد: یکی در جست‌وجوی سلطه و طرد، دیگری در پی همزیستی و برابری.

ظهور زهران ممدانی را می‌توان آغاز بازتعریف سیاست در آمریکا دانست: سیاستی که از هیاهوی نفرت به سمت عقلانیت اخلاقی و انسان‌گرایی در حرکت است. او صدای آمریکایی نوین است: آمریکایی چندفرهنگی، عدالت‌خواه و در حال بیدار شدن از سایه‌های ترس و تبعیض. اگر ترامپ نماد آمریکای دیروز بود، ممدانی بی‌تردید نشانه آمریکای فردا است.

عباس عبدالخانی
پژوهشگر مسائل اقتصادی

برش

ایران مال با ۵.۵ میلیارد دلار سرمایه قرار است نابود شود؟

ایران‌مال، بزرگ‌ترین مرکز تجاری، فرهنگی و تفریحی ایران، در منطقه ۲۲ تهران و نزدیکی دریاچه چیتگر قرار دارد و با زیربنای حدودا نزدیک به دو میلیون مترمربع، حدود ۷۰۰ فروشگاه، بازار سنتی، کتابخانه، بیست پخ، سینما، هتل پنج‌ستاره و باغ‌های ایرانی را در خود جای داده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، ایران‌مال، بزرگ‌ترین مرکز تجاری، فرهنگی و تفریحی ایران، نمادی از جاطلبی‌های شهری و چالش‌های اقتصادی در کشور است. این پروژه عظیم در منطقه ۲۲ تهران و نزدیکی دریاچه چیتگر قرار دارد و با زیربنای حدودا نزدیک به دو میلیون مترمربع، حدود ۷۰۰ فروشگاه، بازار سنتی، کتابخانه، بیست پخ، سینما، هتل پنج‌ستاره و باغ‌های ایرانی را در خود جای داده است. سرمایه‌گذاری عظیم در این پروژه، حدود ۵.۵ میلیارد دلار، آن را از نظر ابعاد و سرمایه‌گذاری در سطحی فراتر از بسیاری از پروژه‌های مشابه جهانی مانند دبی‌مال یا مال امارات قرار داده است. با وجود عظمت و طراحی خیره‌کننده، ایران‌مال هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده و نمونه بارز همان «سندروم پروژه‌های ناتمام» در ایران است. وابستگی شدید به یک بانک خاص، مشکلات نقدینگی، رکود اقتصادی، تحریم‌ها و کاهش قدرت خرید مردم، از جمله عواملی هستند که پیشروی پروژه را محدود کرده‌اند. علاوه بر این، چالش‌های مدیریتی، مشکلات مالکیتی و فاصله نسبتا زیاد از مرکز شهر، بهره‌برداری کامل از فضاها را با دشواری مواجه کرده است. با این حال، وجود امکانات متنوع و دارایی‌های ملموس، ارزش اقتصادی و فرهنگی بالایی برای پروژه ایجاد کرده است. ایران‌مال فرصت‌های متعددی برای رشد و توسعه دارد: تنوع خدمات و امکانات آن، از فروشگاه‌ها و مراکز تفریحی تا فضاهای فرهنگی و آموزشی، امکان جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم می‌کند. ایجاد درآمد پایدار از طریق اجاره واحدهای تجاری و جذب برندهای بین‌المللی می‌تواند ارزش اقتصادی پروژه را افزایش دهد. همچنین، توسعه فضاهای فرهنگی، برگزاری رویدادهای هنری و تفریحی و بهبود تجربه بازدیدکنندگان، فرصت تبدیل ایران‌مال به یک مرکز گردشگری و فرهنگی فراملیتی را به وجود می‌آورد. طراحی معماری پروژه که تلفیقی از هنر ایرانی و معماری مدرن است، می‌تواند به نقطه تمایز و جذابیت برای بازدیدکنندگان تبدیل شود و تصویری مثبت از سرمایه‌گذاری بلندپروازانه در ذهن مخاطبان ایجاد کند. با وجود این فرصت‌ها، پروژه با تهدیدهای جدی نیز مواجه است. رکود اقتصادی و تورم، کاهش قدرت خرید مردم و شرایط کلان اقتصادی نامطلوب، می‌تواند روند بهره‌برداری و درآمدزایی را محدود کند. تغییرات مدیریتی و قوانین اقتصادی یا بانکی، رقابت با پروژه‌های مشابه داخلی و خارجی و عدم دسترسی آسان بازدیدکنندگان، ریسک‌های عملیاتی ایران‌مال را افزایش می‌دهند. اگر بهره‌برداری کامل از فضاها انجام نشود، تهدید تعطیلی مغازه‌ها و کاهش ارزش اقتصادی پروژه بسیار واقعی است. با نگاهی واقع‌بینانه، ایران‌مال بیش از آنکه فقط یک مرکز خرید باشد، بازتاب جاطلبی‌های شهری و پیچیدگی‌های اقتصادی در ایران است. سرمایه‌گذاری بزرگ و معماری چشمگیر بدون مدیریت حرفه‌ای و بهره‌برداری کامل، موفقیت اقتصادی پروژه را تضمین نمی‌کند. در عین حال، با برنامه‌ریزی هوشمند، جذب سرمایه و مصرف‌کننده و بهره‌برداری مؤثر از امکانات، ایران‌مال می‌تواند به هاب فرهنگی و اقتصادی در غرب تهران تبدیل شود و ارزش واقعی سرمایه‌گذاری عظیم خود را به نمایش بگذارد. این پروژه با همه ریسک‌ها و چالش‌ها می‌تواند الگویی درس‌آموز برای پروژه‌های بزرگ شهری در ایران باشد، نشان‌دهنده اینکه مدیریت هوشمند و بهره‌برداری کامل، کلید موفقیت واقعی است.

اشاره

از داخل بترسید!

بتیانگذار نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۰ دی ماه سال ۱۳۵۸ در دیدار دانشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در تهران ضمن تشریح توطئه آمریکا برای ایجاد آسیب به کشور از درون، گفتند: «از خارج نترسید تا داخل یک آسیبی نبینید. از خارج نترسید. از داخل بترسید.» صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۹۵.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، عبارتی کلیدی و بسیار راهگشا از امام خمینی به یادگار مانده که برای وضعیت امروز جامعه ما به‌ویژه برای حکمرانان کشورمان پندآموز است. بتیانگذار نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۰ دی ماه سال ۱۳۵۸ در دیدار دانشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در تهران ضمن تشریح توطئه آمریکا برای ایجاد آسیب به کشور از درون، گفتند: «از خارج نترسید تا داخل یک آسیبی نبینید. از خارج نترسید. از داخل بترسید.» صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۹۵.

نگاهی به تاریخ این هشدار بسیار مهم که اولین سال استقرار نظام جمهوری اسلامی است، بیتش دقیق و عمیق امام خمینی نسبت به باطن امور به ویژه برنامه‌ریزی‌های قدرت‌های زیاده‌خواه و سلطه‌طلب خارجی برای تسلط بر کشورمان و راه درست مقابله با توطئه‌های این قدرت‌ها را کاملاً آشکار می‌کند. این هشدار از دو جهت اهمیت دارد. اول آنکه شناخت دقیق امام از حکمرانی و میزان نقش حاکمان در تامین رضایت مردم و حفاظت از همبستگی ملی را نشان می‌دهد و دوم آنکه این سخن حکیمانه و آینده‌نگری عالمانه در زمانی گفته شد که فضای کشور آکنده از شور انقلابی و حمایت همگانی و همه‌جانبه از انقلاب و نظام اسلامی و رهبری آن بود. تصور اینکه ۴۶ سال پیش و زمانی که هنوز تجربه چندانی از حکمرانی وجود نداشت چنین هشداری از زبان رهبر انقلاب و بتیانگذار نظام جمهوری اسلامی شنیده شد و امروز که نزدیک نیم قرن از صدور این هشدار می‌گذرد واقع‌بینانه بودن آن کاملاً ملموس است. برای تمام کسانی که به استقلال ایران علاقمند هستند جالب است. امروز وقتی این هشدار را در برابر چشمان خود می‌بینیم و با گوش جان آن را می‌شنویم، احساس می‌کنیم امام خمینی همین حالا هم در میان ما حضور دارد، بر اوضاع جامعه نظارت می‌کند و خواستار نجات دادن ایران از خطری است که آن را تهدید می‌کند. این تهدید، همان آسیبی است که به سراغمان آمده و متأسفانه حکمرانان امروز ما برای مقابله با آن اقدامی نمی‌کنند.

وقت آن است که این هشدار امام خمینی که فرمود: «از خارج نترسید. تا داخل یک آسیبی نبینید. از خارج نباید ترسید. از داخل بترسید»، در قالب تابلوهای بزرگ در اطاق‌های مسئولین ارشد کشور نصب شود، رسانه ملی آن را در تمام شبکه‌های تلویزیونی زیرنویس کند و رادیو و تلویزیون به جای شعارهای «ایران قوی» و «ایرانمان سرزمین نور و امید» این هشدار را پخش کند.

واقعیت نترسیدن از خارج را در طول چهار دهه گذشته بارها تجربه کرده‌ایم که آخرین آن تهاجم مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا در خردادماه امسال در قالب جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بود. این تهاجم با ایتکه غافلگیر کنندهٔ برق‌آسا و فریبکارانه بود و در اولین ساعات به شهادت بسیاری از فرماندهان نظامی و دانشمندان کشورمان منجر شد، در نهایت و البته بسیار سریع به شکست مهاجمان انجامید و یکبار دیگر ثابت شد که دشمنان خارجی قدرت و امکان آسیب وارد کردن به ایران و نظام جمهوری اسلامی را ندارند. این واقعیت هنگامی پررنگ‌تر جلوه خواهد کرد که توجه کنیم جنگ ۱۲ روزه با هدف براندازی و با مشارکت بسیاری از دولت‌ها اعم از غربی و منطقه‌ای علیه ایران ترتیب داده شده بود و با ایتحال ناکام ماند.

آنچه بسیار اهمیت دارد اینست که حکمرانان ما واقعیت بخش دیگر هشدار امام یعنی جمله «از داخل بترسید» را به درستی درک و به مقتضای آن عمل کنند. این جمله به این معناست که از تفرقه در داخل بترسید. از بی‌توجهی به معیشت مردم بترسید. از فشارهای روانی وارد کردن به مردم بترسید. از رشد مفاسد اقتصادی بترسید. از میدان‌دار شدن مفسدان اقتصادی بترسید. از رواج یافتن رشوه و پارتی‌بازی بترسید. از رانت‌خواری و ویژه‌خواری بترسید. از پرداختن به امور فرعی و غفلت از امور اصلی بترسید. از مسئولیت دادن به افراد ضعیف و متزوی کردن افراد شایسته بترسید. و از همه مهم‌تر از تبعیض و بی‌عدالتی و ظلم به مردم بترسید. اینها به داخل آسیب وارد می‌کنند و بحرانی را به وجود می‌آورند که نمی‌توانید با آن مقابله کنید. بنابراین، از داخل بترسید.